چگونه فیلم‌نامه بنویسیم (۱)

(مبانی فیلم‌نامه‌نویسی)

نویسنده: سید فیلد
مترجم: مسعود مدنی

www.ketab.ir

فیلد، سید، ۱۹۳۵ - م. Feild, Syd
عنوان و نام پدیدآور: چگونه فیلمنامه بنویسیم/ نویسنده سید فیلد؛ مترجم مسعود مدنی
مشخصات نشر: تهران: نابان خرد، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری: ۲ ج.
شابک: دوره ۲-۲-۹۴۸۹۰-۶۰۰-۹۷۸؛ ج. ۱-۵-۹۴۲۸۰-۶۰۰-۹۷۸
ج. ۲-۶-۹۴۳۱۰-۶۰۰-۹۷۸؛ ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۳۸۰-۱-۵ : ج. ۲
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: چاپ اول نشانی دیگر: مترجم کتاب
Screenplay: the foundations of screenwriting,2005
عنوان دیگر: عناوین دیگر: کتاب The Screenwriter's workbook, 2006
یادداشت: کتاب حاضر قبلا به صورت دو جزوه توسط نشران دیگر منتشر شده است.
موضوع: فیلمنامه‌نویسی
موضوع: فیلمنامه‌نویسی
شناسه افزوده: مدنی، مسعود، ۱۳۵۶ -
رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ ۲ ج/ ف PN۱۹۹۷/
رده بندی دیویی: ۸۰۸/۰۲۳
شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۵۵۰۶۴

چگونه فیلمنامه بنویسم(جلد۱)

نویسنده: سید فیلد
انتشارات: نابان خرد
مترجم: مسعود مدنی
طراح جلد: شمیم ترابی پاریزی
لیتوگرافی: جامع هنر
چاپ: رنگ پنجم
صحافی: راد
ناظر چاپ: محمد خالق وردی
مدیر تولید: مهدی محمد حسینی
نوبت چاپ تا کنون: سوم
چاپ اول نابان خرد: ۱۳۹۳
تیراژ: ۵۰۰ نسخه
حقوق چاپ و نشر محفوظ است.
شابک: ۱-۵-۹۴۲۸۰-۶۰۰-۹۷۸
شابک دوره: ۲-۲-۹۴۸۹۰-۶۰۰-۹۷۸
مرکز پخش: کتاب آبان ۶۶۹۵۵۰۱۲
وب سایت: www.abanbook.net
نشانی: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، بن بست فاتحی
داریان، پلاک ۲، مجتمع ناشران، طبقه همکف، واحد ۱۰

www.ketab.ir

➢ فهرست ➣

مقدمه ۵
فصل اول : **فیلم‌نامه چیست؟** ۱۱
فصل دوم: **موضوع** ۱۹
فصل سوم: **شخصیت** ۲۹
فصل چهارم: **بنا کردن شخصیت** ۳۹
فصل پنجم: **خلق شخصیت** ۵۱
فصل ششم: **شروع و پایان** ۶۹
فصل هفتم: **آغاز** ۸۵
فصل هشتم: **فصل** ۱۰۷
فصل نهم : **نقاط عطف** ۱۲۹
فصل دهم : **صحنه** ۱۵۱
فصل یازدهم: **شکل فیلم‌نامه** ۱۷۷
فصل دوازدهم: **بنا کردن فیلم‌نامه** ۲۰۳
فصل سیزدهم: **نوشتن فیلم‌نامه** ۲۱۷
فصل چهاردهم: **اقتباس** ۲۳۳
فصل پانزدهم: **بعد از نوشتن فیلم‌نامه** ۲۴۱
فصل شانزدهم: **یادداشت شخصی** ۲۴۷
ضمیمه ۲۵۱
نمایه ۲۵۹

www.ketab.ir

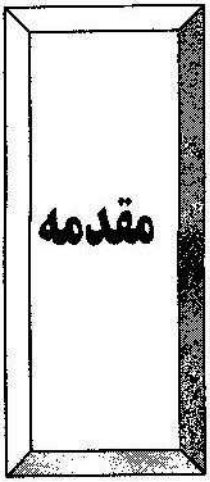

ابتدا به چگونگی پیدایش این کتاب بپردازیم.

من به‌عنوان نویسنده ــ تهیه‌کننده در شرکت فیلم‌سازی «دیوید ـ ال ـ والپر»[1]، فیلم‌نامه‌نویس آزاد، و سرپرست بخش داستان شرکت فیلم‌سازی «سینه موبیل» سال‌های فراوانی را صرف خواندن و نوشتن فیلم‌نامه کرده‌ام. در سینه موبیل، تنها در مدتی بیش از دو سال، بیش از ۲۰۰۰ فیلم‌نامه خوانده و خلاصه‌نویسی کردم. و از این ۲۰۰۰ فیلم‌نامه فقط ۴۰ تا را جهت تهیه‌ی احتمالی از روی آن‌ها، انتخاب و به شرکای مالی شرکت ارائه کردم.

چرا این‌قدر کم؟ برای آن‌که ۹۹ فیلم‌نامه از هر ۱۰۰ فیلم‌نامه‌ای که می‌خواندم آن‌قدر خوب نبودند که ارزش سرمایه‌گذاری یک میلیون دلار یا بیشتر را داشته باشند. به عبارت دیگر، از هر ۱۰۰ فیلم‌نامه، فقط یکی آنقدر خوب بود که ارزش فیلم شدن داشت. و در سینه موبیل کار ما فیلم‌سازی بود. در یک سال، تنها، درگیر تهیه‌ی بیش از ۱۱۹ فیلم سینمایی بودیم که *«پدرخوانده»*، *«جرمیا جانسون»* و *«رهایی»* (در تهران: *نجات یافتگان*) را شامل می‌شد.

کار سینه موبیل ارائه خدمات سینمایی در محل است و در تمام جهان

---

۱. David L. Wolper

www.ketab.ir

نمایندگی دارد. در لس‌آنجلس، یک گروه ۲۲ واحدی آن، خدمات تلویزیون و فیلم‌سازی را تأمین می‌کند. هر واحد سینه‌موبیل به اندازه‌ی یک اتوبوس مسافربری است و در حقیقت یک استودیوی جمع‌وجور و قابل حمل است. این واحد تمام تجهیزات لازم فیلم‌برداری برای فیلم‌سازی را دارد، که شامل انواع نورافکن، مولد برق، دوربین، عدسی و راننده‌ای است که برای حل ۹۰ درصد مشکلات فنی که در محل پیش می‌آید، آموزش دیده است. این خودش کلی وسیله است. بازیگرها و گروه فیلم‌برداری فقط سوار ماشین شوند و می‌روند تا یک فیلم سینمایی بسازند.

وقتی رئیس من، «فؤاد سعید» مبتکر سینه‌موبیل، تصمیم به فیلم‌سازی گرفت، در کمتر از چند هفته، یک میلیون دلار برای این کار فراهم آورد. خیلی زود از اطراف و اکناف هالیوود، فیلم‌نامه‌ها به سوی او سرازیر شدند. ستاره‌های سینما، کارگردانان، استودیوها، تهیه‌کنندگان گمنام و مشهور هزاران فیلم‌نامه برای ما فرستادند.

در این زمان فرصتی نصیب من شد تا فیلم‌نامه‌های ارائه شده را بخوانم و از نظر کیفیت، ارزش فیلم‌نامه و بودجه احتمالی آن‌ها را ارزشیابی کنم. وظیفه‌ی من، همچنان‌که بارها به من گوشزد می‌شد، یافتن فیلم‌نامه برای سه نفر شریک مالی شرکت بود. این سه شریک: «یونایتد آرتیستز تیاترگروپ» «همدیل فیلم دیستری بیوشن کمپانی»، و شرکت مادر، «ناف برود کاستینگ کمپانی» بودند.

بدین ترتیب مشغول خواندن فیلم‌نامه‌ها شدم. به‌عنوان فیلم‌نامه‌نویسی که بعد از هفت سال فیلم‌نامه‌نویسی آزاد، به استراحت احتیاج داشتم، این کار من در «سینه‌موبیل»، دیدگاه کاملاً جدیدی از فیلم‌نامه‌نویسی به من ارائه داد. فرصت فوق‌العاده‌ای بود و کاری سخت دشوار، یک فراگیری خلاقه و پویا.

اما چه چیز چهل فیلم‌نامه‌ای را که به شرکای مالی توصیه کردم، «بهتر» از دیگر فیلم‌نامه‌ها می‌کرد؟ برای این پرسش پاسخی نداشتم. زمانی دراز در این باره فکر کردم.

دوران فیلم‌نامه‌خوانی من، به من فرصت داد که داوری کنم، ارزشیابی کنم و

www.ketab.ir

یک طرز تلقی برای خودم شکل دهم ـ که وقتی فیلم‌نامه‌ای را خواندم، بگویم این فیلم‌نامه خوب نیست. به‌عنوان فیلم‌نامه‌نویس می‌خواستم ببینم چه چیزی این ۴۰ فیلم‌نامه را که پیشنهاد کردم، بهتر از ۱۹۶۰ فیلم‌نامه‌ی دیگر می‌کرد.

در همین اوقات به من پیشنهاد شد در کلاس فیلم‌نامه‌نویسی «شروود اوکز اکس پری منتال کالج» در هالیوود درس بدهم. این، مدرسه‌ای حرفه‌ای است که حرفه‌ای‌ها در آن درس می‌دهند. مدرسه‌ای که در آن «پال نیومن»، «استیو مک کوئین» ، «داستین هافمن» و «لوسیل بال» سمینار بازیگری داده‌اند. «تونی بیل» در آن درباره‌ی تهیه فیلم سمینار خواهد داد، «مارتین اسکورسیز»، «رابرت آلتمن»، یا «آلن پاکیولا» در آن سمینار کارگردانی سینما می‌دهند، «ویلیام فریکر» و «جان آلونزو» دو تن از عالی‌ترین فیلم‌برداران دنیا، در کلاس فیلم‌برداری آن درس می‌دهند، این مدرسه از مدرسه‌هایی است که مدیر تهیه‌ها، فیلم‌برداران، پیوندگران، نویسندگان، کارگردانان و تهیه‌کنندگان حرفه‌ای برای یاد گرفتن تخصص‌هایشان به آنجا می‌روند. خلاصه، ممتازترین مدرسه‌ی سینمایی آمریکاست.

پیش از این هرگز در کلاس فیلم‌نامه‌نویسی درس نداده بودم. وقتی این پیشنهاد به من شد می‌بایستی پیش از شروع کلاس، در تجربیات فیلم‌نامه‌خوانی و فیلم‌نامه‌نویسی خودم کاوش کنم تا مواد اصلی کلاس را فراهم کنم.

از خودم پیوسته می‌پرسیدم فیلم‌نامه خوب چیست؟ کم‌کم پاسخ‌هایی برای این سؤال یافتم. وقتی یک فیلم‌نامه‌ی خوب را می‌خوانید، از همان صفحه‌ی اول این موضوع را می‌فهمید. سبک، شیوه‌ی کنار هم قرار گرفتن واژه‌ها روی کاغذ، شیوه‌ی بنا شدن داستان، گیرایی موقعیت نمایشی آن، معرفی شخصیت اصلی، معرفی قضیه یا برخورد اساسی در داستان، همه در چند صفحه‌ی اول فیلم‌نامه ارائه می‌شود. فیلم‌های *«محله چینی»*[1] ، *«سه روز کندور»* ، (در تهران: کندور)، *«تمام مردان رئیس‌جمهور»* از این نظر نمونه‌های کاملی هستند.

بزودی دریافتم که فیلم‌نامه، داستانی است که با تصویر بیان می‌شود. به‌عبارت

---

۱. Chinatown

www.ketab.ir

دیگر فیلم‌نامه، شخص یا اشخاصی را در مکان یا مکان‌های در حال انجام کار یا کارهایشان نشان می‌دهد. فهمیدم که عناصر اساسی خاصی وجود دارد که در تمام فیلم‌نامه‌ها یافت می‌شوند.

این عناصر در چارچوب ساختار معینی که دارای شروع، میان، و پایان است، به صورت نمایشی بیان می‌شود. وقتی چهل فیلم‌نامه‌ای را که به شریک‌هایمان ارائه داده بودم دوباره بررسی کردم ـ به‌ویژه فیلم‌نامه‌های *«شیر و باد»*، *«آلیس دیگر اینجا زندگی نمی‌کند»* ـ دریافتم که تمام این فیلم‌نامه‌ها گذشته از آن‌که از نظر اجرا، سینمایی بودند دارای پاره‌ای عناصر اساسی نیز بودند. در حقیقت این عناصر اساسی در تمام فیلم‌نامه‌ها وجود دارند.

شروع به تدریس این نگرش بنیادی در کلاس فیلم‌نامه‌نویسی کردم. با خود فکر کردم اگر دانشجو مدل یک فیلم‌نامه را یاد بگیرد، می‌تواند از آن به عنوان راهنما یا الگویی استفاده کند.

اکنون سال‌هاست که در کلاس فیلم‌نامه‌نویسی درس می‌دهم و فهمیده‌ام که این روش، یک روش کارآمد و برخاسته از تجربه فیلم‌نامه‌نویسی است. مواد اصلی دوره فیلم‌نامه‌نویسی مرا، بیش از ۱۰۰۰ دانشجوی کلاس‌های فیلم‌نامه‌نویسی‌ام شکل داده‌اند. و هم آن‌ها مرا به نوشتن این کتاب ترغیب کرده‌اند.

برخی از دانشجویانم، در این کار بسیار موفق بوده‌اند. یکی از ایشان «تونی بیل» تهیه‌کننده‌ی فیلم‌های *«نیش»*[1] و *«راننده‌ی تاکسی»*، است ـ دیگری فیلم‌نامه دست‌نویس اول خود را با نام *«رولر کوستر»(چرخ و فلک)* به کمپانی «یونیورسال» فروخته است و دیگری فیلم‌نامه *«روبی»* را نوشته و بازگی قرارداد یک کتاب سینمایی را با یک ناشر مهم بسته است. تعدادی دیگر از دانشجویانم هم سفارش نگارش فیلم‌نامه از تهیه‌کنندگان دریافت کرده‌اند.

سایرین این اندازه در کارشان موفق نبوده‌اند. بعضی استعداد دارند. استعداد موهبتی الهی است، یا دارید یا ندارید.

---

۱. the sting

www.ketab.ir

بسیاری پیش از نام‌نویسی در کلاس من، سبک نگارش خود را بدست آورده‌اند. بعضی‌ها باید در کلاس من عادات نگارشی خود را فراموش کنند. همچون مربی تنیس که چرخش خطای دست، یا مربی شنا که حرکت دست را در شنا تصحیح می‌کند، نوشتن هم مثل بازی تنیس یا ورزش شنا، یک کار تجربی است. به همین دلیل با اصول کلی کار آغاز می‌کنم و سپس به جوانب ویژه فیلم‌نامه‌نویسی می‌پردازم.

این کتاب برای افراد خاصی در نظر گرفته نشده است، این کتاب برای آن‌هاست که در نویسندگی دارای تجربه‌ی قبلی نیستند، برای آن‌ها که موفقیت چندانی در نویسندگی نداشته‌اند و باید در روش خود در نگارش تجدیدنظر کنند. نوول نویس‌ها، نمایشنامه‌نویس‌ها، ویراستاران نشریات، بازرگانان، پزشکان، بازیگران، پیوندگران فیلم، کارگردانان فیلم‌های تبلیغاتی، منشی‌ها، مدیران تبلیغاتی و استادان دانشگاه همه به کلاس من آمده‌اند و از آن بهره گرفته‌اند.

هدف این کتاب این است که خواننده بتواند با انتخاب، اطمینان و اعتقاد ـــ اعتقاد از نظر درونی تا خودش بداند چه می‌کند ـــ فیلم‌نامه بنویسد. زیرا دشوارترین کار نویسندگی این است که بدانید چه می‌خواهید بنویسید.

وقتی کتاب را خواندید، دقیقاً می‌دانید که برای نوشتن فیلم‌نامه چه باید کرد. اما این‌که این کار را بکنید یا نه به خودتان بستگی دارد.

نویسندگی یک کار شخصی است.

www.ketab.ir